

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۶-۵

انگاره مسیحیت و مسیحیان در سیره رسول خدا ﷺ

محمد رضا محمدی^۱
عباس احمدوند^۲
عبدالله فرهی^۳

چکیده

دین مسیحیت شش قرن پیش از اسلام با رسالت حضرت عیسیٰ ﷺ در سرزمین فلسطین پدید آمد و به مرور مسیحیان در جزیره‌العرب نیز پراکنده شدند. با ظهور اسلام به عنوان آخرین دین ابراهیمی در حجاز، با توجه به پیشینه توحیدی مسیحیت و تماس‌های ناگزیر مسلمانان با مسیحیان، مواجهه و گفت‌وگو از مسیحیت و پیروان آن در قرآن کریم امری ناگزیر نمود. پیامبر اسلام ﷺ نیز در طول دوران بعثت بر اساس تعالیم قرآن کریم و انگاره برخاسته از آیات مربوط به مسیحیت و مسیحیان به مواجهه با آنان پرداخت و در نوع ارتباط با مسیحیان به اقتضای زمان و مکان، تدابیری از گفت‌وگو تا برخورد همچون هجرت به حبشه، گفت‌وگوهای گروهی و فردی با مسیحیان، ارتباط‌گیری با حاکمان مسیحی از طریق نامه‌نگاری، پیمان‌نامه صلح با قبایل مسیحی و یا برخورد نظامی با آنان را برگردید. این تدابیر در چارچوب انگاره ارائه شده در قرآن کریم بوده است. در این مقاله با روش زمینه‌شناسی تاریخی و با بهره‌مندی از رویکرد تاریخ‌انگاره تلاش شده است تا با توجه به تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای مذکور، به خواش رسول خدا ﷺ از مسیحیت و مسیحیان و انگاره شکل یافته سیره نبوی نسبت به مسیحیت و مسیحیان دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری انگاره‌ای، مسیحیت در سیره نبوی، هجرت به حبشه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadreza.3748@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

a_ahmadvand@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

farrahi@mazahab.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۴/۰۲

The Image of Christianity and Christians in Sira of the prophet Mohammad (PBUH)

Mohammad Reza Mohammadi¹

Abbas Ahmadvand²

abdullah Farrahi³

Abstract

Christianity emerged six centuries before Islam by Christ in Palestine, and Christians gradually dispersed in the Arabian Peninsula. Considering the monotheistic background of Christianity, the inevitable contact of Muslims with Christians and the emergence of Islam as the last Abrahamic religion in Hijāz, it was unavoidable to confront and discuss Christianity and its followers in the Quran. During his prophet hood, Muhammad dealt with Christians based on the teachings of the Qur'an and the concept arising from the verses related to Christianity and Christians, and in the type of communication with Christians, depending on the time and place, measures from dialogue to confrontation such as migration to Abyssinia, Individual and group discussions with Christians, communication with Christian rulers through letter writing, peace treaty with Christian tribes or military treatment with them. These measures are in the framework of the concept presented in the Quran. In this article, an attempt has been made to achieve the Prophet's reading of Christianity and Christians and the formed concept of the prophetic life about Christianity and Christians by using the method of historical context and Conceptual History taking into mentioned reports about interactions, conversations, and encounters.

Keywords: History of ideas historiography, Christianity in Sira of the prophet, Immigration to Abyssinia.

-
1. Ph. D. candidate of Islamic history, Islamic Denominations International University, Tehran, Iran (corresponding author). mohammadreza.3748@gmail.com
 2. Associate professor, department of Islamic history and civilization, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran. a_ahmadvand@sbu.ac.ir
 3. Assistant professor, department of Islamic history, Islamic Denominations International University. farrahi@mazaheb.ac.ir

درآمد

در آستانه ظهور اسلام (قرن هفتم میلادی)، شبهجزیره عربستان، به سبب شرایط جغرافیایی خاص بیابانی و امکان پناه‌یابی در آن، مأمن بسیاری از پیروان ادیان توحیدی چون یهودیت، مسیحیت و یا ادیان غیر توحیدی چون بت‌پرستی و ستاره‌پرستی بود. در میان ادیان توحیدی، مسیحیت در گوشه و کنار شبهجزیره، نمود و بروز بیشتری داشت. مسیحیت از اطراف جزیره‌العرب و از طُرُق متعددی وارد این سرزمین شد. علت انتشار مسیحیت در جزیره‌العرب، به تأثیر اقدامات چهار مرکز مسیحی برمی‌گردد که در مجاورت سرزمین‌های عرب قرار داشتند؛ این چهار مرکز، شامات (سوریه) در شمال غربی، عراق در شمال شرقی، حبشه در غرب دریای احمر و نجران در جنوب شبهجزیره هستند (سالم، ۴۸۲). با توجه به تبلیغ مسیحیت از مراکز مسیحی مجاور با اغراض دینی و سیاسی، تا پیش از ظهور اسلام قبایل عرب متعددی با این دین آشنا شده و تمام یا گروهی از آن قبیله یا طایفه به مسیحیت گرویده بودند. بنابر نقل برخی از مورخین، گروهی از قبیله قریش از بنی اسد بن عبدالعزی که عثمان بن حُبَيرَث بن اسد و وَرَقة بن نوفل بن اسد از آنان است، مسیحی شدند و نیز بنو إمرؤالقیس بن زید از بنی تمیم، بنی تَغلِب از ریبعه و طَئِء، مَذْحج، بَهْراء، سُلَيْح و تَنْوُخ از قوم قضاوه، لَخم و گروهی از غَستان از یمن مسیحی شدند (یعقوبی، ۲۵۷/۱؛ ابن قتیبه دینوری، ۶۲۱؛ مسعودی، ۸۲/۲-۸۳). برخی از افراد تأثیرگذار و مشهور در جاهلیت همچون عدی بن زید عبادی نیز بر آئین مسیحیت بودند (علی، ۱۹۷/۱۲). به اعتقاد برخی از مستشرقان، مسیحیت رایج در میان عرب پیش از اسلام در شبهجزیره، معمولاً مسیحیت یعقوبی و نسطوریه بوده است (ژیلیو، ۵۷؛ پیگولوسکایا، ۶۱۲)؛ گرچه در برخی از مناطق همچون شرق جزیره‌العرب، نسطوریه مذهب غالب بود (علی، ۱۹۷/۱۲).

رسول خدا ﷺ ۲۳ سال در میان مردم به تبلیغ آموزه‌های دینی و وحیانی خود پرداخت و در این مدت محل استقرار ایشان دو شهر مَكَّه و مدینه (یثرب) بود. عمدۀ ساکنان مَكَّه، قبایل مشرک و بت‌پرست بودند و ادیان یهود و نصارا کمتر در آنجا سکونت داشتند و حنفی ابراهیمی نیز در اقلیت بودند که نام برخی از آنان از جمله

پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی به تعاملات و روابط میان رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه و مسیحیان پرداخته‌اند. مراد (۱۳۹۹ش) در پرداخته همچون مقاله «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبی» به گزارش تاریخی رویارویی‌های پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه و مسیحیان اشاره کرده است. همچنین گدارد (۱۳۹۸ش) در فصل دوم از کتاب تاریخ روابط اسلام و مسیحیت اشاره مختصری به برخوردها و مواجهه پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه با مسیحیان داشته است. سعادت (۱۳۸۵ش) در مقاله «سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر اعظم صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه با اهل کتاب» اشاراتی به مبالغه و برخوردهای نظامی پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه با مسیحیان داشته است. علی بیگی و همکاران (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «مواضع سیاسی - نظامی پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه در مواجهه با مسیحیان جزیرة‌العرب» به بررسی برخوردهای نظامی و سیاسی رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه با مسیحیان شمال شبه‌جزیره و تعاملات ایشان با مسیحیان جنوب شبه‌جزیره پرداخته است. مریم و معصومه یدالله‌پور (۱۳۹۱ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سیره نظری و عملی پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه با مسیحیان جزیرة‌العرب»، رویارویی‌های نظامی، تعاملات فرهنگی، عهدنامه با مسیحیان نجران و پرداخت جزیه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

عبدالمطلب، پدر بزرگ رسول اکرم صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه، در گزارش‌های تاریخی آمده است (یعقوبی، ۱۱-۱۰/۲). شهر مدینه (یثرب) محل سکونت دو قبیله مشترک اوی و خزرج بود اما قبایل یهودی متعددی در مدینه و اطراف آن سکونت داشتند و همین امر باعث آشنایی بیشتر مردم مدینه با ادیان ابراهیمی شده بود. مسیحیان عمدتاً در شمال و جنوب حجاز بودند و بر پایه روابط تجاری با قبایل مکه و مدینه ارتباط اقتصادی داشتند. آنها پس از ظهور اسلام در مکه و خصوصاً تشکیل حکومت دینی در مدینه، روابط و تعاملاتی با پیامبر صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه داشتند. چگونگی رویکرد رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آمیت‌الله‌عنه در مواجهه با مسیحیان به عنوان اهل کتاب و چیستی خوانش برخاسته از مجموع گفتگوها، تعاملات و برخوردهای ایشان با مسیحیت و مسیحیان، پرسشی است که در این نوشتار بدان پاسخ داده می‌شود.

پیری اردکانی (۱۳۹۱ش) در پایان نامه‌ای با عنوان «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، مواجهه حاکمان مسلمان با مسیحیان از صدر اسلام تا بخش زیادی از دوران خلفای اموی را بیان کرده است. با این همه این پژوهش‌ها، به نقل گزارش‌های تاریخی اکتفا کرده و با رویکرد تاریخ انگاره به دنبال به دست آوردن خوانش رسول خدا ﷺ از مجموع تعاملات، گفتگوها و برخوردها به عنوان یک الگوی رفتاری نبوده‌اند. شناخت و معرفی خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیت و مسیحیان در واقع شناخت انگاره اصیل اسلامی همنوا با قرآن کریم درباره مسیحیان است که می‌تواند یک الگوی صحیح و کارآمد و نقشه راه برای جوامع اسلامی حاضر در مواجهه با اهل کتاب باشد.

مفهوم‌شناسی

۱- انگاره

واژه انگاره در لغت به معانی مختلفی همچون تصوّر، پندار و گمان، نقش ناتمام، طرح و نقشه، تخمين، از سرگرفتن سرگذشت و افسانه به صورت مکرر (انگاره کردن) و دفتر حساب آمده است (دهخدا، ۲۶۶/۱). اصطلاح تاریخ نگاری انگاره‌ای به عنوان شاخه‌ای از تاریخ نگاری فرهنگی به تازگی و در چند سال اخیر به محافل علمی و دانشگاهی ما معرفی شده‌است. در واژه تاریخ انگاره دو خصوصیت مهم وجود دارد: نخست آنکه اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً بیرون است و دیگر آنکه حاصل یک فرایند تاریخ‌دار است یعنی فرایندی که یک انگاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویر ساخت یافته را طی کرده است. بنابراین یک انگاره یک امر اجتماعی - تاریخی است و نقش پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف است نه تعریف (گرامی، ۷). در این نوشتار نیز دو مفهوم مسیحیت و مسیحیان که پیش از اسلام در اذهان مردم حجاز وجود داشت را در چارچوب تعاملات، گفتگوها و برخوردهای پیامبر اسلام ﷺ با آنان واکاوی کرده تا خوانش و انگاره ساخت یافته از سیره نبوی کشف شود.



۲- مسیحیت و مسیحیان

وقتی سخن از مسیحیت به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی می‌شود، مفاهیم متعددی همچون حضرت عیسی مسیح، حضرت مریم، کتاب مقدس، حواریون، پسر خدایی، آموزه تثلیث و الوهیت مسیح و مانند اینها در ذیل آن قرار می‌گیرد که در واقع این آئین بدان مفاهیم شناخته می‌شود. این مفاهیم صرفاً مفاهیم ذهنی نیستند بلکه خود، واقعیت‌های خارجی در زمانه‌ای و یا آموزه‌هایی شکل یافته در گذر تاریخ هستند. بنابراین سخن از مسیحیت به عنوان یک دین، سخن از آموزه‌های اصلی و ارکان بنیادین آن دین است که فعل و افعالات، کنش‌ها و واکنش‌ها و اوامر و نواهی را برای پیروان خود تعیین و تشریح می‌کند تا پیروان آن به عنوان مسیحیان با التزام و تمسّک به آن آموزه‌ها، خود را به اهداف متصوّر در آن دین نزدیک کنند.

تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از گفت‌وگو تا برخورد

رسول الله در مدّت رسالت خویش در مکّه و مدینه با مسیحیان تعامل داشت. بررسی این تعاملات از برخورد تا گفت‌وگو می‌تواند ما را در یافتن خوانش پیامبر ﷺ از مسیحیت و مسیحیان یاری کند. در این نوشتار، مواجهه‌ها و تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از مکّه تا مدینه بر اساس ترتیب زمانی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی با توجه به اقتضائات و عناوین نوشتار، زمان وقوع رویدادها مورد توجه قرار نگرفته است.

۱- مهاجرت به حبشه

رسول خدا ﷺ در ایام تبلیغ در مکّه با وجود تلاش‌های فراوان با مخالفت اشراف مکّه در مقابل توحید و اصرار آنان بر بقای بر بت پرستی و تعصبات جاهلی مواجه شد. همه ماجرا به این مخالفت و اصرار بر بت پرستی خودشان برنمی‌گشت بلکه آنان وقتی از کارکرد اجتماعی توحید در تعالیم دین جدید حضرت محمد ﷺ یعنی عدالت محوری، کرامت و مساوات جایگاه انسانی آگاه شدند، به مبارزه با آن پرداختند (زرگری نژاد، ۲۶) و علاوه‌بر تقابل با رسول خدا ﷺ، به شکنجه و آزار و اذیت تازه

مسلمانان مستضعفین مکه پرداختند. از این‌رو رسول‌الله در سال پنجم بعد از بعثت به مسلمانان برای حفظ جانشان و رهایی از فشار کفار قریش، سفارش کرد تا به حبشه هجرت کنند (ابن‌اثیر، ۷۷/۲). ایشان فرمود: «اگر از اینجا خارج شوید و به سرزمین حبشه بروید، در آنجا حاکمی است که نزد او و در سایه حمایت او به کسی ظلم نمی‌شود و آنجا سرزمین صدق و راستی است. در آنجا بمانید تا خدا گشايشی نسبت به وضع فعلی شما ایجاد کند و شما را از آزار آنان نجات دهد» (ابن‌هشام، ۳۲۱/۱).

بر اساس این گزارش رسول خدا ﷺ، نجاشی مسیحی را حاکمی عادل و سرزمین وی را سرزمین درستی و صداقت معرفی کرد. این تصویر در زمرة اولین خوانش‌هایی بود که پیامبر ﷺ پس از بعثت، از مسیحیان ارائه کرد. خوانشی که در آن حاکم مسیحی، انسانی عادل و حق محور و امت وی، مردمی اهل صدق و صفا خوانده شده‌اند. این خوانش را می‌توان همنوا با آیه ۸۲ سوره مائدہ دانست که در آن مسیحیان را در مودت و محبت مشتاق‌تر معرفی می‌کند: «يَقِينًا سَرْسَخْتَرِينَ مَرْدَمَ رَا در كِينَه و دَشْمَنَى نَسْبَتْ بِهِ مُؤْمَنَانَ، يَهُودَيَانَ وَ مُشْرِكَانَ خَوَاهِي يَافَتَ؛ وَ الْبَتَه نَزِدِيكَ تَرِينَشَانَ رَا در دُوْسَتِي بِاِمَّهَ مُؤْمَنَانَ، كَسَانِي مَى يَابِي كَه گَفْتَنَد: ما نَصْرَانِي هَسْتَيم. اِينَ وَاقْعِيتَ بِرَاهِ آنَ اَسْتَ كَه گَرْوَهِي اِز آنانَ كَشِيشَانَ دَانِشَمَدَنَ وَ عَابِدانَ خَدا تَرسَانَد، وَ آنانَ [در پِيرَويِ اِزْ حَقِّ] تَكَبَّرَ نَمِي كَنَنَد».

پیرو این سفارش، عده‌ای از مسلمانان در سال پنجم بعثت از مکه به سوی حبشه هجرت کردند. به گزارش یعقوبی (۲۹/۲) در مرحله اول دوازده مرد و در مرحله دوم هفتاد مرد به‌جز فرزندان و زنانشان به حبشه هجرت کردند. رهبر مهاجرین مرحله دوم جعفر بن ابی طالب بود. قریشیان که از برخورد مسالمت‌آمیز نجاشی با مسلمانان آگاه شدند، عمرو بن عاص و عبید‌الله بن ابی ریبعه (در برخی منابع نام عماره بن ولید مخزومی در کنار عمرو بن عاص آمده است) را با هدایایی برای نجاشی و درباریان وی به سوی حبشه فرستادند. نجاشی مهاجرین را فراخواند و مهاجرین نزد وی و درباریان وارد شدند. پادشاه از دین آنان و رویگردانی از دین اشرافشان پرسید. از میان مهاجرین، جعفر بن ابی طالب سخن گفت و برای نجاشی وضعیت شرک و فساد عصر جاهلیت



۲- گفت و گو و رفتار کریمانه

یکی از انواع تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان، گفت و گوی چهره به چهره برای تبیین حقایق تعالیم اسلام همراه با اخلاق کریمانه و گستراندن بالهای عفو و رحمت نسبت به آنان بود. چه در ایامی که پیامبر ﷺ در مکه و تحت فشارهای اجتماعی مشرکان قریش و چه زمانی که ایشان در مدینه صاحب حکومت دینی و سیاسی بودند، همواره یکی از عواملی که باعث کشف حقیقت برای اهل کتاب و مشرکین می‌شد، همین اخلاق کریمانه ایشان در قول و فعل بوده است. از این رو عده‌ای از مسیحیان که در جستجوی حقیقت بوده‌اند، تحت تأثیر گفتار و رفتار کریمانه و رئوفانه ایشان قرار گرفته و مسلمان شدند. اکنون چند مورد از مواجهه گروهی یا فردی مسیحیان با پیامبر ﷺ بیان می‌شود:

الف) ماجرای ایمان آوردن جمعی از مردم نجران

در ایامی که رسول خدا ﷺ در مکه بود، روزی حدود بیست نفر از مسیحیان حبشه – و شاید مسیحیان نجران – که خبر نبوت آن حضرت را شنیده بودند جهت تحقیق به

مکّه آمده و برای ملاقات و گفتگو با ایشان وارد مسجدالحرام شدند. در آنجا رسول خدا ﷺ را دیدند و پرسش‌های خود را پرسیدند و برای هر یک پاسخی دریافتند. پس از اتمام پرسش‌ها، پیامبر ﷺ آنان را به دین اسلام دعوت کرده و آیاتی از قرآن برای آنان تلاوت فرمود. وقتی آن آیات مقدس را شنیدند، چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که اشک از دیدگانشان سرازیر شد و مسلمان شدند و رفته‌اند (ابن هشام، ۱/۳۹۱-۳۹۲).

قرآن کریم در وصف مسیحیان در جستجوی حقیقت می‌فرماید: «[و برحی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن ایمان می‌آورند و هنگامی که بر آنان خوانند، می‌گویند: به آن ایمان آوردم، یقیناً این قرآن از سوی پروردگارمان حق و درست است، البته ما پیش از نزول آن [به سبب راهنمایی‌های تورات و انجیل] تسلیم بودیم. اینان دوبار پاداش می‌گیرند چون صبر [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند و بدی [مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی کردہ‌ایم، انفاق می‌کنند» (قصص/۵۲-۵۴).

ب) ایمان آوردن عذاس و عدى بن حاتم طائی

بعد از رحلت حضرت ابوطالب ؓ، کار تبلیغ در مکّه بر پیامبر ﷺ بسیار سخت شد لذا برای برونو رفت از این بن‌بست تبلیغی تصمیم گرفت تا به طائف سفر کند و مردم قبیله را به اسلام دعوت نماید. در آنجا با سه فرزند عمر و که از سران ثقیف بودند گفتگو کرد ولی با برخورد سرد و انکارآمیز آنان مواجه شد. به نظر می‌رسد این برخورد تحت تأثیر فشار سران قریش مکّه بود؛ چنانکه عتبه و شیبیه فرزندان ریبعه از پیشتازان دشمنی با پیامبر ﷺ، در آنجا حضور داشتند و ناظر وقایع بودند (طبری، ۲/۶۴). در نهایت عده‌ای از اهل طائف به سوی حضرت سنگ پرت کردند تا جایی که پای ایشان زخمی شد. پیامبر ﷺ برای در امان ماندن از آنان به باغی که متعلق به همان فرزندان ریبعه بود پناه آورد و به دیواری تکیه داد تا اینکه غلامی به نام عذاس مسیحی با ظرفی از انگور نزد ایشان آمد. پیامبر خدا ﷺ با محبت و مهربانی با وی گفتگو و از یونس نبی که همچون عذاس، اهل نینوا بود، یاد کرد. سخنان و گفتار محبت‌آمیز رسول خدا ﷺ انقلابی درون

۳- نامه به ملوک دیگر سرزمین‌ها

در اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم هجری (ابن هشام، ۳۰۸/۲؛ طبری، ۶۲۰/۲؛ بلاذری، انساب، ۳۴۹/۱؛ ابن سعد، ۹۲/۲). رسول خدا ﷺ به همراه گروهی از مسلمانان برای بهجا آوردن اعمال حج به سوی مکه رفت که این سفر پیش از ورود به شهر مکه به صلح حدیبیه با مشرکان مکه متنه شد. پس از آن، پیامبر ﷺ بر اساس رویکرد قرآن کریم در آیه ۶۴ سوره آل عمران^۱ برای گسترش اسلام و هدایت جهانی به توحید اصیل ابراهیمی، نامه‌هایی به سوی پادشاهان و ملوک سرزمین‌های مختلف ارسال کرد. رسول اکرم ﷺ دیه بن خلیفه را به همراه نامه‌ای به سوی هرقل قیصر روم،

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَذْبَابًا مَّنْ دُونَ اللَّهِ فَإِنْ تَأْوِلُوا فَقُولُوا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». بعضنا أذباباً من دون الله فإن تأولوا فقولوا أشهدوا بأننا مسلمون

عبدالله بن حُذَافَه را به سوی خسرو پرویز پادشاه ایران، عمرو بن أُمِيَّه را به سوی نجاشی پادشاه حبشه، حاطِب بن أَبِي بَلْتَغَه را به سوی مُعَوْقِس پادشاه اسکندریه، عمرو بن عاص سَهْمِی را به سوی جَيْفَر و عَبَاد دو فرزند جُلُنْدَی حاکمان عمان (مقریزی، ۲/۳۶؛ بلاذری، انساب، ۲۷۸/۱۰، نام برادر جَيْفَر را عمرو یا عبد ذکر کرده‌اند)، سَلِیْط بن عمرو را به سوی ثُمَامَه بن اثَال و هَوْذَه بن عَلَى حاکمان يَمَامَه، عَلَاء بن حَضْرَمَه را به سوی منَدَر بن ساوی پادشاه بحرین، شجاع بن وَهَب را به سوی حارث بن أَبِي شَمِير غَسَانِی پادشاه شامات (یا جَبَلَة بن أَيَّهَم آخرین پادشاه غَسَانِی)، مُهَاجِر بن أَبِي أُمِيَّه را به سوی حارث عبد گُلَال پادشاه حِمَيْر فرستاد (ابن هشام، ۶۰۷/۲؛ بلاذری، همان، ۵۳۱/۱). با توجه به محتوای نامه‌ها و گزارش‌های تاریخی (ابن کثیر، ۳۲۵/۲، ۱۸۰/۴، ۶۳/۸)، برخی از این ملوک همچون ملوک روم، اسکندریه، حبشه و شام (ملوک غَسَانِی) بر آئین نصرانیت بودند. همچنین شعر اعشی در مدح هوده بن علی نشان از مسیحی بودن وی دارد (علی، ۱۹۷/۱۲).

آن نامه‌ها به طور کلی دارای مفاهیم واحدی بودند؛ گرچه با الفاظ متفاوتی بیان شدند. محتوای نامه‌ها دعوت به توحید و اسلام و تمسک به آیه ۶۴ سوره آل عمران بود که خطاب به اهل کتاب نازل شده است (یعقوبی، ۷۸/۲). رسول خدا ﷺ در نامه‌ای به پادشاه روم وی را از شریک قائل شدن در ربوبیت خداوند یکتا بر حذر داشت. این امر اشاره به رد اعتقاد به الوهیت مسیح و تثلیث دارد. رسول خدا ﷺ به صراحت آموزه کلیدی مسیحیت را گمراه کننده و اسلام را عامل نجات و رستگاری معرفی کرد. از آنجا که اسلام آوردن وی باعث اسلام آوردن ملت روم نیز می‌شد، پیامبر ﷺ وی را مستحق دو عذاب دانست؛ یکی به دلیل شرک خود در اعتقاد به تثلیث و دیگری به دلیل شرک ملت روم در تبعیت از مسیحیت.

پس از این نامه‌ها برخی از ملوک، مسلمان شدند و برخی مُصْرَانَه بر مسلک خود باقی ماندند. قیصر روم بر نصرانیت باقی ماند از این رو دحیه، سفیر پیامبر ﷺ، محتوای دعوت را به ضغاطر، اسقف اعظم روم عرضه کرد و او پس از تأمل، پاسخ داد: «به خدا

صاحب تو نبی مرسل است و ما صفات او را در کتاب خود دیده‌ایم. سپس عصای خود را برداشت و نزد رومیان در کلیسا رفت و آنان را به نبوت پیامبر اسلام دعوت کرد و خود در میان آنان بر وحدانیت خدا و رسالت وی شهادت داد. رومیان بر او شوریدند و وی را کشتند» (طبری، ۶۵۰/۲). مقوقس پادشاه اسکندریه با خواندن نامه پیامبر ﷺ مسلمان نشد اماً با احترام، به نامه پاسخ داد و چهار کنیز به همراه هدایایی به مدینه فرستاد که یکی از کنیزان ماریه قبطیه بود که پیامبر ﷺ از وی صاحب پسری به نام ابراهیم شد (طبری، ۱۶۷/۳). جارود بن عمرو که از رجال مسیحی بحرین بود، نزد رسول الله آمد و به همراه یارانش مسلمان شد و تا پایان عمر بر اسلام باقی ماند (علی، ۱۹۸/۱۲).

پادشاه دیگر، حارث بن أبي شمر غستانی فرمانروای نصرانی دمشق بوده که پس از خواندن نامه با غرور گفت: «چه کسی می‌خواهد پادشاهی مرا از من بستاند». او تصمیم حمله به مدینه را در سر داشت. پیامبر ﷺ وی را نفرین کرد که «پادشاهی اش از دست برود» و چنین شد (ابن خلدون، ۴۵۰/۲). در خصوص جبله بن أبيهم نیز گزارش‌هایی مبنی بر ارسال نامه پیامبر ﷺ توسط شجاع بن وهب به وی وارد شده‌است اماً به نظر می‌رسد که شجاع بن وهب صرفاً حامل نامه به سوی حارث بن أبي شمر بوده‌است چرا که جبله بن أبيهم در سال هشتم هجری و پس از درگذشت حارث بن أبي شمر به پادشاهی رسید (قدسی، ۲۳۸/۴). وی در واقعه یرموک در سال پانزدهم هجری و در دوران حکومت عمر بن خطاب، با لشکری به یاری قیصر روم شتافت و در مقابل سپاه مسلمانان جنگید و شکست خورد (یعقوبی، ۱۴۱/۲). پس از فتح شام توسط مسلمانان، او مسلمان شد اماً مدتی بعد به دلیل تکبر و ممانعت از قصاص، مرتد شد و بر آئین نصرانیت شبانه به سوی قسطنطینیه نزد قیصر روم گریخت (ابن اعثم، ۲۲۲/۱-۲۲۳).

در میان ملوک، برخورد أصحم، نجاشی حبشه با دعوت رسول خدا ﷺ کاملاً متفاوت بود. پیامبر ﷺ عمر بن امیه ضمیری را به همراه نامه‌ای به حبشه فرستاد. این نامه علاوه‌بر دعوت به توحید و اسلام، حاوی سفارش درباره جعفر بن أبي طالب و دیگر همراهانش بود که از سال‌ها قبل از مکه به حبشه مهاجرت کرده بودند. متن نامه به شرح ذیل است: «به نام خداوند بخشاینده مهربان. از محمد رسول خدا به نجاشی

اصحٰم پادشاه حبشه. سلام بر تو باد! من خداوند یکتا، آن پادشاه، آن قدوس، آن سلام، آن مؤمن و آن مهیمن را سپاس می‌گوییم و شهادت می‌دهم که عیسیٰ روح خدا و کلمه اوست که آن را به مریم طیبه بتول آن زن پاکدامن افکنده است و او به عیسیٰ حامله شده؛ پس عیسیٰ را از روح و نفخه خود آفرید، چنانکه آدم را به دست و نفخه خود آفریده است. تو را به خدای واحد که شریکی ندارد، دعوت می‌کنم و تو را به فرمانبرداری از او، فرا می‌خوانم. از من پیروی نما و به آنچه بر من نازل شده‌است، ایمان بیاور که من رسول خدا هستم. پسر عم خود جعفر را با گروهی از مسلمانان نزد تو فرستادم. پس چون نزد تو آمدند تو ایمان بیاور و سرسختی فرو گذار. من تو را و سپاهت را به خدا می‌خوانم. هر آینه سخن خود و اندرز خود به تو رسانیدم. پس اندرز من پیذیرید. و سلام بر آنان که از هدایت پیروی می‌کنند» (ابن خلدون، ۴۵۰/۲-۴۵۱).

در این نامه، رسول خدا ﷺ از حضرت عیسیٰ مسیح ﷺ و مادرش مریم مقدس به نیکی و با احترام یاد کرده است و مسیح را صریحاً مخلوق و زاده مخلوق خوانده که هرگز جایگاه الوهیت نداشت و با نفی شریک برای الله، تثلیث را مردود دانست. پیامبر ﷺ در این نامه در عین حفظ احترام نجاشی و دوری از تکبّر، به صراحة حقانیت دعوت خود را بیان و از هر نوع تکلف و ابهام‌گویی محافظه کارانه در کلام خودداری کرد. چنانکه رویکرد قرآن کریم در ارائه تصویری از حضرت مسیح، مادرش مریم مقدس و باورهای دینی مسیحیان نیز همین‌گونه است. قرآن کریم از سویی حضرت عیسیٰ ﷺ را عبد خدا، آبرومند در دنیا و آخرت و مقرب درگاه الهی معرفی کرده است (زخرف / ۵۹، آل عمران / ۴۵) و از مادرش مریم مقدس به عنوان بانویی پاک یاد می‌کند که دارای طهارت روحی و از برترین زنان عالم است (آل عمران / ۴۲) و از سوی دیگر به صراحة اعتقاد به الوهیت مسیح و سه‌گانه‌پرستی را برابر با کفر (مائده / ۱۷، ۷۲) و به صلیب رفتن وی را باطل دانسته است (نساء / ۱۵۷-۱۵۹).

- پیمان صلح با مراکز مسیحی

یکی از تعاملات پیامبر ﷺ با مسیحیان، پیمان صلح و دریافت جزیه از آنان است. این

رویکرد برخاسته از آیات قرآن کریم است. قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره توبه حکم دریافت جزیه و پیمان صلح را بیان می‌کند: «با کسانی [از اهل کتاب] که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که متواتضع و فروتن‌اند، جزیه بپردازند».

در ابتدای این آیه، به جهاد و پیکار با اهل کتاب حکم شد اماً این حکم، مشروط به عدم مصالحه بر جزیه است و با پذیرش صلح و پرداخت جزیه، جواز حکم به پیکار با مسیحیان رفع می‌شود چرا که بنای قرآن کریم و سیره نبوی بر تعامل با اهل کتاب به دلیل ریشه وحیانی و ابراهیمی دینشان بوده‌است و شاهد بر آن پیمان‌نامه‌های صلح با مناطق و قبایل مختلف مسیحی و یهودی از ابتدای حکومت اسلامی تا رحلت رسول خداست.

اکنون چند مورد از پیمان‌نامه‌های رسول خدا ﷺ با قبایل مسیحی بیان می‌شود:

پس از فتح مکه و تسلط بر قبایل بزرگ و تسلیم شدن مشرکان قریش در مقابل مسلمانان، قبایل متعددی در شب‌جزیره به اسلام روی آوردن و هیئت‌های مختلفی در سال نهم و دهم هجری به مدینه آمدند. از جمله هیئتی شصت نفره از مسیحیان نجران (سرزمین مسیحی‌نشین در یمن) در سال دهم هجری به مدینه آمدند که ۱۴ نفر از آنان از اشرف نجران بودند (ابن هشام، ۵۷۳/۱؛ ذهبی، ۶۹۵/۲). آنان در وقت عصر وارد مسجد پیامبر ﷺ شدند و پس از زمانی وقت نمازشان فرا رسید و آماده نماز شدند. رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان را به حال خود واگذارید (تا هر طور که می‌خواهند نماز گزارند)». بزرگانشان سه نفر به نام‌های عبدالmessیح، ابوحراره و أیهَم (عاقب، اسقف و سید) بودند. وقتی نزد رسول الله رسیدند، به بحث و گفتگو پرداختند و حاضر به پذیرش اسلام نشدند. سپس آیات آغازین سوره آل عمران و آیه مباھله نازل شد (آل عمران/۶۱؛ ابن هشام، ۵۷۴-۵۸۲).

با نزول آیه مباھله از پیامبر ﷺ خواسته شد تا به آنان بگوید با فرزندان، زنان و جان‌هایشان برای مباھله و تعیین حقانیت از سوی خدا بیایند و آنان پذیرفتند. در وقت صبح رسول خدا ﷺ در حالی که دست حسن و حسین علیهم السلام را گرفته و فاطمه‌ایز پشت سر و علی علیهم السلام در پیش رویش بودند، بیرون آمدند (یعقوبی، ۸۲/۲، ابن اثیر، ۲۹۳/۲).



اشراف نصارا با دیدن آنان گفتند به خدا قسم اینان کسانی‌اند که اگر خدا را قسم دهند تا کوه فرو ریزد، فرو می‌ریزد. پس مباھله نکردند و به جزیه صلح کردند (مقریزی، ۹۵/۲؛ ابن اثیر، همان). رسول خدا علاؤه‌بُر جزیه با آنان، بر حفظ و امنیت مال و جان، آئین و کلیساهای آنان و جایگاه‌های دینی راهبان و کاهنان پیمان بست. در فرازی از آن پیمان‌نامه آمده است: «نجرانیان ... دو هزار حله هر یک به بهای یک اوقيه باید ادا کنند، در هر ماه رجب، هزار حله و در هر ماه صفر، هزار دیگر... و اگر خراج را به شکل زره‌ها و اسباب و اشتران یا متاع دیگر دهند از ایشان به حساب پذیرفته خواهد بود... نجران و پیرامون آن مورد حمایت خدا و ذمه محمد پیامبر فرستاده خداوند خواهد بود. آنان بر جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال خود ایمن خواهند بود، چه آنان که غائب‌اند و چه کسانی که حاضرند و چه فرمانروایان و چه سپاهیانشان، و نیز نسبت به صلیب‌ها و شمايل‌هایشان در امان خواهند بود، و هر وضعی که داشته‌اند دگرگون نخواهد شد و حقوق و تعالیم مذهبی ایشان مورد تغییر قرار نخواهد گرفت. هیچ اسقفی از اسقفیت خود و هیچ راهبی از رهبانیت خویش و هیچ کاهنی از مقام خویش رانده نخواهد شد، و تمامی متعلقات ایشان از کم و زیاد برای آنان به جا خواهد ماند. به مناسب تقصیرات و خونریزی‌های مربوط به دوران جاهلیت مأخوذه نخواهند بود، به خدمات جنگی فراغوانده نخواهند شد و عُشر نخواهند پرداخت و سپاه به خاک ایشان وارد نخواهد شد. آنان که در پی احراق حق باشند نسبت به ایشان انصاف إعمال خواهد شد، و هیچ ظالم و مظلومی در نجران نخواهد بود. هر که از این پس رباخواری کند، ذمه من از او بری است. هیچ کس به خاطر ستم دیگری مأخوذه نخواهد بود. نسبت به مفاد این نامه عهد خدا و ذمه محمد پیامبر تا رسیدن امر خداوندی برپا است، مادام که اهل نجران طریق نصیحت در پیش گیرند و به تعهدات خویش به درستی عمل کنند، و بر ایشان تکلیفی به ظلم روا نخواهد شد...» (بالادری، فتوح البلدان، ۷۲).

نکته مورد نظر اول در این ماجرا، ابتدا نوع برخورد رسول خدا علاؤه‌بُر با گروه مسیحیان نجرانی است که وارد مسجد مسلمانان شدند و قصد اجرای نماز و مناسک دینی داشتند. رسول خدا علاؤه‌بُر به اصحاب خود سفارش کرد تا کسی مانع اجرای

مناسک آنان نشود. نکته دوم در این ماجرا، متن و محتوای پیماننامه رسول خدا صلوات الله علیه و سلام با مسیحیان نجران است چرا که در آن پیامبر صلوات الله علیه و سلام با وجود توسعه و استحکام بنیان حکومت اسلامی پس از فتح مکه و سلطه بر بسیاری از سرزمین‌های حجاز و اوج قدرت نظامی خود، در تعامل با مسیحیان نجران بر اینم بودن جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال آنان تأکید کرد. در ابتدای این پیمان، رسول خدا صلوات الله علیه و سلام بر آنان پرداخت دوهزار حله در سال را مقرر می‌کند اما برای جلوگیری از تکلف و رنج آنان، این مقدار را تقسیط بر دو شش ماه می‌کند و سپس می‌فرماید در صورت عدم تهیه حله، می‌توانند کالاهای دیگر را جایگزین آن کنند. در ادامه این پیمان‌نامه، در امان بودن مردم نجران اعم از نظامی و غیرنظامی، عدم تعلیم به آئین مسیحیت و نمادهای آن همچون صلیب و شمایل و کلیساها، محفوظ ماندن و محترم شمردن اموال مسیحیان، محفوظ ماندن جایگاه علمای دینی آنان در کلیساها و دیرها، عفو و بخشش نسبت خطاهای گذشته آنان در عصر جاهلیت، عدم بکارگیری آنان در جنگ‌ها، رعایت عدالت در دادخواهی آنان و تأکید بر ترک رباخواری و در عین حال تهدید بر تداوم رباخواری و مؤاخذه بر آن بیان شد. در واقع این پیمان‌نامه از بهترین منابع برای درک خوانش و رویکرد تعاملی پیامبر صلوات الله علیه و سلام با مسیحیان به عنوان اهل کتاب به جهت توجه و احترام ایشان به بنیان اولیه و ریشه ابراهیمی آئین مسیحیت است. حضرت محمد صلوات الله علیه و سلام هرگز اهل کتاب را بر پذیرش اسلام مجبور نکرد؛ بلکه رویکرد ایشان، پذیرش اسلام با طیب نفس و تفکر بوده است و حکم بر پرداخت جزیه و تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گرفتن، قدمی در راستای تعاملات و مراودات بیشتر امت مسیحی با امت مسلمان و آشنایی با تعالیم ناب اسلام بوده است. این رویکرد برخلاف رفتاری بود که ایشان با مشرکان بتپرست داشته‌اند چرا که بتپرستان هرگز مُخیّر بر انتخاب جزیه و بقا بر آموزه‌های شرک‌آمیز خود نبوده‌اند؛ بلکه پس از شکست، چاره‌ای جز پذیرش و تسليم شدن در مقابل تعالیم اسلام نداشتند و نمادهای شرک‌آمیز آنان إمحا می‌شد؛ چنانکه پیامبر صلوات الله علیه و سلام و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و سلام پس از فتح مکه تمامی بت‌های درون کعبه را از بین بُردند.

همچنین در ایام توقف در تبوک، یوحنا بن رُوبه، حاکم سرزمین مسیحی‌نشین ایله،

نزد رسول خدا ﷺ آمد و بر پرداخت جزیه صلح کرد و سپس حاکم اذرح و جرباء نیز نزد ایشان آمدند و بر جزیه صلح کردند (ابن اثیر، ۲۸۰/۲) و هم‌پیمان سیاسی و نظامی مسلمانان شدند تا با پرداخت مالیات سالیانه، از حمایت نظامی و سیاسی حکومت اسلامی برخوردار شوند و در عین حال بتوانند آزادانه بر آئین خود باقی بمانند و در واقع جزئی از شهروندان جامعه نبوي شوند.

قابل ذکر است که نگرش رسول خدا ﷺ در تعیین جزیه بر اهل ذمه، رعایت انصاف و اعتدال بوده است از این رو وقتی پیامبر ﷺ عبدالله بن ارقم را متولی دریافت جزیه از ذمیان قرار داد، به وی فرمود: «آگاه باشید کسی که بر هم‌پیمان ستم کند یا بر او بیش از طاقتمنش تکلیف کند یا او را تحقیر کند و یا چیزی را بر خلاف رضایت وی از او بگیرد، من در روز قیامت او را بازخواست خواهم کرد» (ابویوسف، ۱۳۹). این گزارش نشان رحمت وسیع رسول خدا ﷺ و نگرش عادلانه ایشان نسبت به اهل ذمه است و همسو با پیمان‌نامه مردم نجران، سهم جلدی در تعیین خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیان دارد. این پیمان‌نامه‌ها، حاکی از رویکرد صلح‌جویانه و سیره مبتنی بر گفتگو با اهل کتاب توسط رسول خدا ﷺ است؛ چنانکه با یهودیان مدینه و اطراف آن نیز در بد و ورود، صلح‌نامه امضا شد تا بر اساس آن تحت حکومت تازه تأسیس اسلامی زندگی کنند؛ اما یهودیان بر خلاف مسیحیان این پیمان‌نامه‌ها را زیر پا گذاشتند و با مشرکان مکه در جنگ‌های مقابل مسلمانان همکاری کردند؛ لذا رسول خدا ﷺ با آنان مبارزه و آنان را از مناطق خود تبعید کرد (ابن هشام، ۴۷/۲، ۲۱۴، ۲۳۳، ۲۹۰).

۵- برخورد نظامی رسول خدا ﷺ با مسیحیان

رویکرد اولیه در سیره رسول خدا ﷺ با مسیحیان به عنوان اهل کتاب آسمانی، تعامل و مماشات ضمن دعوت به آئین حق و اكتفاء به جزیه برای حمایت حکومت اسلامی از آنان بوده است اما در مواردی نیز برخی از قبایل مسیحی به دلیل تعصبات دینی و فریفتگی از حمایت نظامی امپراتوری روم به تقابل نظامی با حکومت اسلامی روی می‌آوردند و همچنین حکومت مسیحی بیزانس نیز به دلیل احساس خطر از جانب دولت تازه تأسیس

اسلامی، به غلبه نظامی و تسلط بر حکومت نوپای اسلامی امید داشت. در چنین موقعی رسول خدا ﷺ برای حفظ امنیت مسلمانان و حکومت اسلامی، با آنان مقابله بهمثل کرد و با توان نظامی خود مقابل آنان ایستاد. این رویکرد پیامبر ﷺ ناظر به همان حکم جهاد با اهل کتاب در آیه ۲۹ سوره توبه بوده است. اکنون چند مورد از برخوردهای نظامی رسول خدا ﷺ با قبایل یا حکومت‌های مسیحی بیان می‌شود:

اولین برخورد نظامی میان مسلمانان و مسیحیان غزوه دومه الجند است. در سال پنجم هجری گروهی از مردم قضاعه و غسان (از قبایل مسیحی) تصمیم بر جنگ با مسلمانان گرفتند و دور هم جمع شدند. رسول خدا ﷺ به سوی آنجا حرکت کرد، اما پیش از رسیدن پیامبر ﷺ، آنان متفرق شدند و بازگشتن؛ لذا نزاعی در نگرفت (بلادری، انساب الاشراف، ۳۴۱/۱).

سه سال بعد، در جمادی الاول سال هشتم هجری و پیش از فتح مکه، رسول خدا ﷺ دستور اعزام سپاهی سه هزار نفری به سوی غسان در نزدیکی سرزمین روم داد که به جنگ مؤته معروف شد. واقعیت (۷۵۵-۷۵۷) علت وقوع این جنگ را کشته شدن حارث بن عمیر أزدي (حامل نامه رسول خدا ﷺ نزد پادشاه بصری به جهت دعوت به اسلام) توسط شُرحبیل بن عمرو غسانی ذکر می‌کند. رسول الله خطاب به فرماندهان مؤته چنین فرمود: «... به نام خدا و در راه او جنگ کنید، با هر کس که خدا را کافر (کفار اهل کتاب) باشد جنگ کنید، در عین حال مکر و فریب به کار مبرید و غل و غش مکنید و کودکان را نکشید، و چون با دشمنان مشرک (مسیحیان) برخوردید آنها را به یکی از سه چیز دعوت کنید، و هر پیشنهاد را که پذیرفتند قبول کنید و دست از ایشان بدارید، نخست به اسلام دعوتشان کن، اگر پذیرفتند از ایشان بپذیر و از جنگ با ایشان دست بدار، دوم اینکه از ایشان بخواه تا از سرزمین خود برونند و هجرت کنند، و اگر پذیرفتند اعلام کن که برای آنها همان حقوقی منظور خواهد شد که برای دیگران، و اگر مسلمان شدند و ترجیح دادند که در سرزمین‌های خود باشند، به آنها خبر بد که حکم ایشان مانند حکم عرب‌های دیگری است که مسلمان شده‌اند. احکام الهی درباره آنها اجرا خواهد شد، و برای آنها از فیء و غنایم سهمی نخواهد بود، مگر اینکه همراه

مسلمانان در جهاد شرکت کنند. اگر از پذیرفتن این دو مطلب خودداری کردند، آنها را به پرداخت جزیه دعوت کن، و اگر پذیرفتند تو قبول کن و دست از ایشان بردار، و اگر از تمام این پیشنهادها سرپیچی کردند، از خدا یاری بخواه و با آنها کارزار کن...».

در این نامه نگرش تعامل جویانه رسول خدا ﷺ نسبت به اهل کتاب به وضوح بیان شده است. از سوی مسیحیان همان پیروان سه گانه پرستی و تارکان توحید اصیل ابراهیمی هستند، از سوی دیگر مسیحیت در تأسیس مزین به نبی اولوالعزم، حضرت عیسیٰ و مهبط کتاب آسمانی انجیل است از این رو رسول الله به احترام ریشه الهی و وحیانی آن دین، ابتدا مجاهدین مسلمان را از مکر و فریب و کشتار کودکان نهی فرمود و سپس مسیحیان را بر چند امر مختار کرد.

برخورد دیگر مسلمانان با مسیحیان در نبرد تبوک در سال نهم و پس از فتح مکه بود. در آن سال برای پیامبر ﷺ خبر آوردن که هرقمل روم برای جنگ با مسلمانان، قبائل لخم و جذام و غستان و عامله را با خود همراه ساخته است (وقدی، ۹۹۰/۳). رسول خدا ﷺ نیز همراه با لشکری از مسلمانان به سوی روم حرکت کرد اما خبری از سپاهیان روم نشد و سپس بدون جنگ و نزاعی با رومیان به مدینه بازگشت (طبری، ۱۰۹/۳). همچنین در همان ایامی که پیامبر ﷺ در تبوک بودند، خالد را با سپاهی به سوی اکیدر بن عبدالملک، بزرگ و صاحب دومه الجندل، فرستاد و به وی فرمود: «او را در حال صید گاو کوهی خواهی یافت» و چنین شد و خالد او را در آن حال اسیر کرد و نزد پیامبر ﷺ فرستاد. رسول خدا ﷺ کشن وی را منع کرد و بر پرداخت جزیه با او صلح کرد (مقدسی، ۲۴۰/۴).

بنابراین چنانکه بیان شد رویکرد رسول خدا ﷺ با محوریت تعالیم قرآن کریم در مواجهه با اهل کتاب با توجه به ریشه ابراهیمی و وحیانی آنان، تعامل، مماشات و احترام به آئین و مناسک آنان، ضمن دعوت به اسلام و صراحة در بیان انحرافات اعتقادی و عواقب اخروی آن بوده است. زمانی که تعامل و مماشات با اهل کتاب موجب سلب امنیت جامعه اسلامی می شد، رسول الله رویکرد جهاد و مقاومت را در رویارویی با آنان انتخاب می کرد تا با شکست سران و رؤسای کفر، اولاً تهدید از امت

نتیجه

مسلمان دور شود و ثانیاً بیان حق و تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم آزادانه به گوش مردم آن سرزمین‌ها رسانده شود تا بستری برای هدایت آنان فراهم شود.

تعاملاًت و مواجهه‌های رسول خدا ﷺ با مسیحیان در طول دوران رسالت، انگاره‌ای از مسیحیت و مسیحیان را در سیره نبی ترسیم کرد که همنوا و همسو با انگاره قرآنی بوده است. در این انگاره، احترام و حفظ قداست حضرت عیسیٰ علیه السلام به عنوان نبی الالعزم و مادرش مریم مقدس مورد تأکید است. مسیحیان به عنوان پیروان یکی از ادیان ابراهیمی و دارای کتاب آسمانی مورد حُسن خلق، برخورد رئوفانه، عفو و رحمت از سوی پیامبر اسلام ﷺ بوده‌اند. برخی از آنان نقاط قوتی همچون عدالت خواهی، صداقت و موّدت نسبت به مسلمانان داشتند. رسول خدا ﷺ آنان را پس از پیمان صلح و جزیه، در بجا آوردن مناسک دینی آزاد گذاشت. دریافت جزیه نیز بر محور اعتدال و انصاف و با حفظ جایگاه عالمان و راهبان و اماکن دینی آنان بود. مسیحیان با توجه به ریشه ابراهیمی، اجباری بر پذیرش اسلام نداشته‌اند و بر پیمان‌نامه صلح و جزیه در مقابل تأمین امنیت آنان توسط حکومت اسلامی و یا هجرت کردن بدون تعدی و تجاوز، مخیّر بودند؛ برخلاف مشرکین غیر اهل کتاب که بر موارد مذکور مخیّر نبودند. در این انگاره گرچه احترام به مقدسات دین مسیحیت لازم است اماً انحرافات اعتقادی آنان همچون سه‌گانه‌پرستی و الوهیت مسیح، شرک و گمراهی آنان از حقیقت به صراحت بیان و اسلام به عنوان تنها راه رستگاری و نجات از عقوبات معرفی می‌شود. محور پایانی این انگاره نیز ضرورت حفظ امنیت مسلمانان در مقابل آن دسته از مسیحیانی است که بنای بر تعامل و صلح با مسلمانان نداشتند و تهدیدی برای امنیت حکومت اسلامی بوده‌اند. در چنین موقعی برخورد نظامی با آنان جهت حفظ امنیت مسلمانان مورد توجه بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن أثیر جزیری، عزالدین، الكامل، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵.
- ابن أعمش کوفی، محمد، الفتوح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبیری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن قتیبه دینوری، أبومحمد، المعرف، قاهره، الهیئة المصریه العامة للكتاب، ۱۹۹۲.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ابویوسف، الغراج، قاهره، المکتبه الأزھریه التراث، ۱۴۳۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- _____، فتوح البلدان، بیروت، دار مکتبه الہلال، ۱۹۸۸.
- یبهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- پیری اردکانی، منصوره، «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، راهنمای ابوالقاسم پیاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهروود، تابستان ۱۳۹۱ ش.
- پیگو لوسکایا، نینا ویکتورونا، اعراب حدود مرزهای ایران و روم شرقی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربي، ۱۴۱۳.
- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
- ژیلیو، کلود، «مسیحیان و مسیحیت در تفاسیر اسلامی»، در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ ش.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ العرب فی عصر الجahلیه، بیروت، دارالنهضة العربية، بی تا.
- سعادت، احمد، «سیره سیاسی و مبارزاتی اعظم ﷺ با اهل کتاب»، نشریه کوثر معارف، سال دوم، شماره ۱، دی ۱۳۸۵ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والمملوك، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲.
- علی بیگی، حسین و همکاران، «مواضع سیاسی- نظامی پیامبر ﷺ در مواجهه با مسیحیان جزیره



العرب»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش. ۳۰، تابستان ۱۳۹۷ش، ص ۵-۳۰.

DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.30.1.5

- گدارد، هیو، تاریخ روابط اسلام و مسیحیت، ترجمه منصور معتمدی و زهرا مؤدب، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- گرامی، سید محمد هادی، مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای، تهران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶ش.
- مراد، سلیمان، «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبوی» در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، قاهره، مکتبه الثقافه الدينیه، بی‌تا.
- مقریزی، احمد بن علی، إمتناع الأسماء، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۲۰.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹.
- یالله‌پور، مریم و معصومه یالله‌پور، «بررسی سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ با مسیحیان جزیره‌العرب»، نشریه تاریخ پژوهی، سال ۱۴، ش. ۵۲، پاییز ۱۳۹۱ش، ص ۴۳-۶۲.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعتمی، بیروت، دارصادر، بی‌تا.